

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
	باب اول: کلیات
۱۵	فصل اول: معرفی شرکت تجاری
۱۵	بخش اول: تعریف شرکت
۱۵	مبحث اول: تعریف شرکت مدنی
۱۸	مبحث دوم: تعریف شرکت تجاری
۲۱	بخش دوم: خصایص شرکت تجاری
۲۲	مبحث اول: عناصر تشکیل دهنده شرکت
۳۳	مبحث دوم: جستجوی سود و تقسیم آن میان شرکا
۴۰	فصل دوم: شخصیت حقوقی شرکت تجاری
۴۱	بخش اول: اعطای شخصیت حقوقی
۴۱	مبحث اول: شرکتهای تجاری دارای شخصیت حقوقی
۴۳	مبحث دوم: مبنای حقوقی شخصیت حقوقی شرکت
۴۷	مبحث سوم: آغاز شخصیت حقوقی شرکت
۵۱	مبحث چهارم: تبدیل شرکت تجاری
۵۵	مبحث پنجم: ادغام و تجزیه شرکتهای
۵۷	مبحث ششم: پایان شخصیت حقوقی
۵۹	مبحث هفتم: حدود شخصیت حقوقی شرکت و خطرهای آن
۶۰	بخش دوم: نتایج شخصیت حقوقی شرکت

۶۱	مبحث اول: اسم شرکت
۶۱	مبحث دوم: دارایی شرکت
۶۳	مبحث سوم: اهلیت شرکت تجاری
۶۴	مبحث چهارم: اقامتگاه شرکت
۷۰	مبحث پنجم: تابعیت شرکت
۷۹	فصل سوم: انواع شرکتهای تجاری
۷۹	بخش اول: معرفی انواع شرکتهای تجاری
۸۳	بخش دوم: طبقه‌بندی شرکتهای تجاری
۸۴	مبحث اول: طبقه‌بندیهای ممکن
۹۴	مبحث دوم: طبقه‌بندیهای معمول
	باب دوم: شرکتهای اشخاص
۹۷	دفتر اول: قواعد مشترک راجع به شرکتهای اشخاص
۹۸	فصل اول: تشکیل شرکت
۹۸	بخش اول: قواعد تشکیل شرکت
۹۹	مبحث اول: انعقاد قرارداد شرکت
۱۱۳	مبحث دوم: شرایط دیگر تشکیل شرکت
۱۲۴	بخش دوم: آثار تشکیل شرکت
۱۲۴	مبحث اول: ماهیت حقوقی سهم الشرکه
۱۳۵	مبحث دوم: حقوق و تعهدات شرکا در مقابل یکدیگر
۱۴۲	بخش سوم: نتایج عدم تشکیل شرکت به سبب بطلان
۱۴۳	مبحث اول: موارد بطلان شرکت
۱۴۴	مبحث دوم: آثار بطلان شرکت
۱۴۶	مبحث سوم: مسئولیت مدنی شرکا در صورت بطلان شرکت
۱۴۸	فصل دوم: انحلال شرکت
۱۴۸	بخش اول: موارد انحلال شرکت
۱۴۹	مبحث اول: انحلال مبتنی بر اراده شرکا

۱۵۰	مبحث دوم: انحلال به سبب از بین رفتن یکی از عناصر شرکت
۱۵۵	مبحث سوم: انحلال مبتنی بر دلایل موجه
۱۵۸	مبحث چهارم: انحلال به سبب وضعیت یکی از شرکا
۱۶۰	بخش دوم: آثار انحلال شرکت
۱۶۰	مبحث اول: تصفیه اموال شرکت
۱۶۹	مبحث دوم: تقسیم دارایی شرکت
۱۷۱	مبحث سوم: دعاوی طلبکاران شرکت علیه شرکا
۱۷۴	دفتر دوم: انواع شرکتهای اشخاص
۱۷۵	فصل اول: شرکت تضامنی
۱۷۶	بخش اول: تشکیل شرکت تضامنی
۱۷۶	مبحث اول: شرکای شرکت
۱۸۰	مبحث دوم: سرمایه شرکت
۱۸۱	مبحث سوم: اسم شرکت
۱۸۳	مبحث چهارم: موضوع شرکت
۱۸۳	مبحث پنجم: تشریفات تشکیل شرکت
۱۸۴	بخش دوم: سازماندهی شرکت تضامنی
۱۸۴	مبحث اول: اداره شرکت
۱۹۴	مبحث دوم: نقش شرکا در اداره شرکت
۱۹۶	بخش سوم: حیات شرکت تضامنی
۱۹۶	مبحث اول: تغییر شرکا
۲۰۰	مبحث دوم: تقسیم سود و زیان
۲۰۱	بخش چهارم: انحلال شرکت تضامنی
۲۰۲	مبحث اول: موارد انحلال شرکت
۲۰۴	مبحث دوم: نتایج انحلال شرکت
۲۰۵	فصل دوم: شرکت نسبی
۲۰۵	بخش اول: معرفی شرکت نسبی

صفحه	عنوان
۳۰۰	فصل چهارم: انحلال شرکت با مسئولیت محدود
۳۰۰	بخش اول: علل عام انحلال شرکت با مسئولیت محدود
۳۰۱	بخش دوم: علل خاص انحلال شرکت با مسئولیت محدود
۳۰۲	بخش سوم: تصفیه شرکت با مسئولیت محدود
۳۰۴	کتابنامه

اختصارات

Bull. Cass: Bulletin de la cour de cassation

Cass.: Cassation

Civ.: Civil

Com.: Commercial

D.: Dalloz

D. S.: Dalloz Sirey

Gaz. Pal.: Gazette du Palais

I. R.: Informations Rapides

J. C. P. Semaine juridique

no.: Numéro

Obs.: Observations

Req.: Requête

Rev. Soc.: Revue sociétés

S.: Sirey

t.: Tome

تقدیم به فرزندم بابک

پیشگفتار

کتاب شرکتهای تجاری بخش دیگری از دوره «حقوق تجارت» است که وعده کرده بودیم، اگر خداوند یاری کند، تقدیم جامعه علمی کشور کنیم. بی تردید بخش عظیمی از فعالیتهای اقتصادی را شرکتهای تجاری برعهده دارند؛ زیرا استفاده از پدیده شرکت تجاری به بازدهی فعالیت اقتصادی حدت بیشتری می دهد و متضمن مزایایی است که فعالیت فردی دربر ندارد؛ مزایایی چون فراهم شدن سرمایه بیشتر و تجمع تخصصهایی گوناگون برای دستیابی به هدفی واحد و به ویژه محدودیت مسئولیت فعالان تجاری. بیهوده نیست که امروزه نه تنها اشخاص بلکه دولتها نیز فعالیت اقتصادی خود را در قالب شرکتهای تجاری ارائه می کنند.

اما شرکت تجاری در اشکال مختلف جلوه می کند. علاوه بر شرکتهای موضوع قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه قانونی ۱۳۴۷ راجع به شرکتهای سهامی عام و خاص، عرف شرکتهایی را می شناسد که، جز از پاره ای جهات، از مقررات سنتی حقوق تجارت پیروی نمی کند. شرکتهای دولتی عمده ترین این نوع شرکتهای محسوب می شوند که تابع قانون و اساسنامه خود هستند، جز در صورتی که قانون و اساسنامه آنها، در خصوص موضوع خاصی، پیش بینی خاصی نکرده باشد که تنها در این صورت، از لایحه قانونی ۱۳۴۷ تبعیت می کنند. شرکتهای دیگری نیز وجود دارند که شاید برشمردن آنها در این مختصر نگنجد؛ مانند شرکتهای تعاونی، شرکتهای تحت پوشش دولت و شرکتهای وابسته به دولت، شرکتهای ملی شده و شرکتهای بانک.

اگر بخواهیم شرکتهای تجاری را بررسی کنیم، پرداختن به همه این انواع ضروری است و الا کاری ناقص کرده‌ایم. البته انجام این ضرورت کار آسانی نیست؛ چرا که از یک طرف باید همه انواع شرکتهای تجاری را بررسی کنیم و از طرف دیگر، کتاب باید برای دانشجویان، که خوانندگان عمده آنند، قابل استفاده باشد. این دو واقعیت متضاد ایجاب می‌کند که کوشش کنیم در عین اینکه کتاب متضمن تحلیلهای لازم است از بحثهای طولانی و احتمالاً ملال‌آور خالی باشد.

در راستای این هدف تصمیم گرفته‌ایم، مبحث شرکتهای تجاری را در سه جلد تدوین و تقدیم کنیم: در جلد اول و دوم شرکتهایی را بررسی می‌کنیم که دانشجویان حقوق باید بشناسند؛ یعنی شرکتهای اشخاص، شرکت با مسئولیت محدود و شرکتهای سهامی عام و خاص؛ در جلد سوم شرکتهای دیگر را با عنوان شرکتهای ویژه معرفی خواهیم کرد. مطالب جلد اخیر، اگرچه برای دانشجویان حقوق هم مفید خواهد بود، بیش از آنها به کار فعالان تجاری خواهد آمد و به هر حال موضوعات آن از سرفصلهای درسی وزارت علوم و آموزش عالی برای دانشکده‌های حقوق، فراتر می‌رود.

به هر حال به سامان رسیدن این کتاب نیز حاصل همت سازمان محترم «سنت» است و جا دارد در اینجا از واحد ویرایش این مؤسسه، به خصوص آقای صفر بیگ‌زاده و سرکار خانم اعظم حاجی‌علی‌اکبری که ویرایش این کتاب حاصل زحمات و دقت آنان است، تشکر کنم.

ربیعا اسکینی

بهار ۱۳۷۵

مقدمه

اهمیت شرکتهای تجاری و فایده مطالعه آنها

مطالعه شرکتهای تجاری از جهات مختلف مفید می‌نماید. شرکتهای تجاری از نظر اقتصادی، اهمیتی فراوان دارند؛ زیرا هر چند تعداد آنها از تجار انفرادی به مراتب کمتر است، ابزار و سرمایه مجموعه‌های صنعتی و تجاری به آنها تعلق دارد. این نکته از دیرباز صادق بوده و در عصر ما، با تغییرات و تحولات بنیادی اقتصادی و سیاسی که شاهدیم، صورت آشکارتری به خود می‌گیرد. در این باره، کافی است به شرکتهای بزرگ تجاری به اصطلاح چندملیتی اشاره کنیم که در طول قرن حاضر در کشورهای بزرگ صنعتی تشکیل یافته، با فروپاشی نظام کمونیستی و گرایش جهانی به سوی اقتصاد بازار آزاد، رقبای دولتی خود را از دست می‌دهند.

شرکت در سیستمهای حقوقی مختلف، وسیله تحدید مسئولیت فعالان تجاری است؛ به این معنا که تجار شخصی یعنی تجاری که به صورت انفرادی فعالیت می‌کنند، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت نامحدود دارند و کل دارایی آنها، اعم از سرمایه تجاری و اموال خصوصی، وثیقه پرداخت دیون آنها به طلبکاران است؛ اما اشخاصی که فعالیت تجاری‌شان از طریق تشکیل شرکت انجام می‌گیرد، مسئولیتی عمدتاً محدود دارند و - البته در شرکتهای به اصطلاح سرمایه - فقط تا آن بخش از دارایی‌شان بدهکار طلبکاران هستند که در شرکت گذاشته‌اند. همین مزیت شرکت موجب شده است که در دنیای اقتصادی غرب، حتی تجار انفرادی، به جای فعالیت تجاری سنتی، در قالب شرکتهای به اصطلاح «تک‌شریک»^۱ به تجارت پردازند تا

1. société unipersonnelle = one man's company

در عین اینکه در کنار شرکای دیگر قرار نمی گیرند، مسئولیتشان، در قبال طلبکاران، محدود به سرمایه‌ای شود که به شرکت تک‌شریک اختصاص داده‌اند.

وقتی مؤسسه یا مجموعه‌ای تجاری فقط به یک نفر تعلق دارد، تفکیک مسائل ناشی از گرداندن سرمایه و اداره مجموعه اغلب مطرح نمی‌شود و صاحب مؤسسه به طور مستقل، اختیار به کارگیری و اداره سرمایه را بدون مراجعه به تصمیم اشخاص ثالث دارد و می‌تواند هر گونه دخل و تصرفی در آن بکند. برعکس، زمانی که همین مؤسسه در مالکیت اشخاص متعدد است، ممکن است گرداندن سرمایه و اداره مؤسسه در اختیار شخص واحد نباشد. نمونه بارز این وضعیت را در شرکتهای سهامی می‌بینیم که در آنها در کنار شرکا، یعنی مالکان شرکت که اداره کنندگان سرمایه‌اند، مدیران و کارکنان شرکت اداره مؤسسه را برعهده دارند.

این ویژگیها موجب شده است که در حقوق تجارت، به موازات مطالعه وضع تجار حقیقی، مبحثی نیز به مطالعه وضعیت شرکتهای تجاری اختصاص یابد که در واقع از جمله تجارند. با توجه به همین ویژگیها در مبحث حقوق شرکتهای مسائل و مطالبی مطرح می‌شود که در مبحث راجع به تجار حقیقی درباره آنها بحث نمی‌شود؛ مطالبی که عناوین کلی آنها در پایان مقدمه ذکر شده است.

تاریخچه قانون‌گذاری شرکتهای تجاری در ایران

با وجود آنکه قانون مدنی ایران پس از قانون تجارت، یعنی در سال ۱۳۱۳ شمسی، به تصویب رسیده است، در مبحث مربوط به شرکت (مواد ۵۷۱ تا ۶۰۷) به مقررات قانون تجارت در مورد شرکت اشاره‌ای ندارد. خود قانون مدنی نیز حاوی هیچ نکته به خصوصی در مورد این نوع شرکت نیست. بنابراین، بر اساس قواعد کلی حقوق، مقررات قوانین تجاری انحصاراً بر شرکت تجاری حکومت می‌کنند؛ مگر اینکه در مورد امری خاص، قوانین تجاری قیدی نداشته باشند که در چنین موردی باید به قانون مدنی مراجعه کرد.

اولین قانون تجاری که در آن از شرکتهای تجاری صحبت شده، قانون ۲۵ دلو ۱۳۰۳ است. بعداً قوانین ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ شمسی به تصویب رسید.

که در آنها وضعیت شرکتهای تجاری (سهامی، تضامنی، مختلط و تعاونی) به اختصار بیان شده است.

قانون ثبت شرکتهای در ۱۳۱۰/۳/۱۱ به تصویب رسید که هدفش وضع مقرراتی برای ثبت شرکتهای موجود و تطبیق آنها با مقررات قانون تجارت بود^۱ و پاره‌ای از موادش در ۱۳۶۲/۱۲/۳۰ اصلاح گردید.^۲ در مورد ثبت انواع شرکت، قوانین و آیین‌نامه‌های دیگری نیز به تصویب رسیده است که از آن جمله می‌توان به این قوانین اشاره کرد: قانون حق‌الثبت شرکتهای بیمه (مصوب ۱۳۱۰/۹/۶)، آیین‌نامه قانون ثبت شرکتهای در مورد شرکتهای بیمه (مصوب آذر ۱۳۱۰ و اصلاح شده در بهمن ۱۳۱۱)، آیین‌نامه قانون ثبت شرکتهای بیمه (مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱)، آیین‌نامه شماره ۵۱۵۸۳ (مصوب اسفند ۱۳۲۷)، راجع به ایجاد «اداره ثبت شرکتهای و علائم تجاری و اختراعات»، نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتهای (مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ با اصلاحیه‌های بعدی آن، راجع به ایجاد «دایره ثبت شرکتهای» در تهران) و طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکتهای (مصوب شهریور ۱۳۴۰، راجع به تغییر نام «اداره ثبت شرکتهای و علائم تجاری و اختراعات» به «اداره ثبت شرکتهای و مالکیت صنعتی»).

اما قانونی که برای اولین بار راجع به شرکتهای تجاری وضع شد، قانون تجارت (مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳) است که هنوز هم پس از گذشت حدود شصت سال، اساس حقوق تجارت ایران را تشکیل می‌دهد و باب سوم آن به شرکتهای تجاری اختصاص دارد (مواد ۲۰ لغایت ۲۲۲). مبحث اول باب مزبور که راجع به شرکتهای سهامی است، بعداً به موجب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴) تغییر یافت. این لایحه قانونی^۳ متضمن سیصد ماده است که ابتدا برای مدت دو سال، به‌طور آزمایشی اجرا و سپس به‌طور قطعی تصویب شد؛ اما سایر

۱. ماده ۲ قانون ثبت شرکتهای مقرر می‌کند که عدم تطبیق شرکت با قانون تجارت و عدم ثبت تا

آخر شهریور ۱۳۱۰ موجب صدور حکم انحلال شرکت به تقاضای دادستان است.

۲. اصلاحات راجع‌اند به حقوق ثبتی که با توجه به کاهش قدرت ریال افزایش پیدا کرده‌اند (ر.ک.؛ ماده ۱۰ قانون ثبت شرکتهای).

۳. از این پس از این قانون به لایحه قانونی ۱۳۴۷ تعبیر خواهیم کرد.

شرکتهای تجاری تابع قانون تجارت ۱۳۱۱ باقی مانده‌اند؛ قانونی که بسیار قدیمی است و باید با توجه به تحولات حقوق تجارت در سراسر دنیا و نیز تغییرات عمیقی که در قوانین تجاری دنیا به عمل آمده، اصلاح شود که البته در این باره به‌ویژه باید به واحد بودن مقررات شرکتهای تجاری و جمع کردن آنها در قانون واحد توجه شود؛ چرا که اهمیت فعالیت تجاری این نوع شرکتهای، حجم قانون‌گذاری در این باره را وسعت داده است. به این علت در تدوین مقررات راجع به شرکتهای تجاری بهتر است مقررات قانون تجارت و لایحه قانونی ۱۳۴۷ زیر یک مجموعه و در قانون تجارت جای بگیرند. این کاری است که در لایحه اصلاح قانون تجارت، مصوب ۱۳۸۴ مصوب هیئت وزیران انجام شده و در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.

به هر حال در مورد قانون‌گذاری شرکتهای، در حال حاضر، قانون تجارت دارای نظامنامه‌ای است که در سال ۱۳۱۱ توسط وزارت عدلیه تدوین و تصویب شده و تشکیل شرکتهای را موقوف به تنظیم شرکتنامه رسمی کرده است (ماده ۱). ثبت تشکیلات غیر تجاری - موضوع ماده ۵۸۴ قانون تجارت - نیز موضوع آیین‌نامه‌ای است که در ۱۳۳۷ به تصویب رسیده و «آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری» نام دارد. همچنین باید توجه داشت شرکتهای تعاونی تولید و مصرف که موضوع مواد ۱۹۰ لغایت ۱۹۴ قانون تجارت‌اند در حال حاضر انحصاراً تابع قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳) هستند.^۱ در واقع ماده ۲ قانون اخیر مقرر کرده است: «شرکتهایی که با رعایت مقررات این قانون تشکیل و به ثبت برسند تعاونی شناخته می‌شوند». تا وضع قانون اخیر به استثنای شرکتهای تعاونی تولید و مصرف، شرکتهای تعاونی دیگر تابع قانون شرکتهای تعاونی (مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶) و اصلاحیه‌های بعدی آن بودند^۲ و تجاری بودن با

۱. روزنامه رسمی، شماره ۱۳۵۷۲ مورخ ۱۳۷۰/۷/۲۲.

۲. قانون اخیر، در واقع، جایگزین قانون دیگری است که با همین عنوان در سال ۱۳۳۴ به تصویب رسیده است.

تجاری نبودن آنها به موضوع آنها بستگی داشت. با وضع قانون بخش تعاونی، این وضعیت در مورد کلیه شرکتهای تعاونی صادق است؛ به عبارت دیگر، هیچ شرکت تعاونی الزاماً تجاری نیست. اگر شرکت تعاونی به اموری پردازد که مطابق قانون تجاری تلقی می شود شرکت تجاری است و در غیر این صورت شرکت تجاری نخواهد بود. دوگانگی وضعیت حقوقی شرکتهای تعاونی موجب شده است که امروزه این شرکتها را در کتب اختصاصی و عمدتاً در حوزه عمل حقوق تعاون مورد بررسی قرار دهند.

حقوق شرکتهای تجاری در سایر کشورها

در اغلب کشورهایی که حقوق تجارت آنها برای ما آشناست، مقررات حاکم بر شرکتهای تجاری، حجم وسیعی از کل مقررات تجاری را تشکیل می دهد. تشکیل شرکتهای تجاری و حیات و انحلال آنها، به رویه قضایی کشورهای پیشرفته امکان داده است تا آرای بی شماری در مورد این رشته از حقوق تجارت صادر کند. حقوق شرکتها از جمله شاخه های حقوق تجارت است که در موردش، حتی در کشورهایی که حقوق آنها عمدتاً بر عرف و عادت استوار است و به کشورهای کامن لا معروف اند، قانون گذار وضع قانون می کند.

اشاره به قوانین و مقررات خارجی راجع به حقوق شرکتها از این نظر مفید است که فعالیت شرکتها و به ویژه شرکتهای سهامی فقط به درون مرزهای کشوری که در آن تأسیس شده اند، محدود نمی شود. از سوی دیگر، از این راه نواقص قانون گذاری ما در این باره که برخاسته از یک قانون گذاری تقریباً بی تحرک است معلوم می شود و راه حل های خارجی، به عنوان چاره احتمالی این نواقص، مشخص می گردد. باید امیدوار بود که چنین مطالعاتی به اصلاح و بهبود وضعیت قانون گذاری کشور درباره حقوق شرکتها، و به طور کلی حقوق تجارت بینجامد.

انواع شرکتهای تجاری

از زمانهای بسیار قدیم، افراد بشر با جمع کردن سرمایه و تلاش خود با سرمایه و

تلاش دیگران به منظور رسیدن به بازدهی اقتصادی بیشتر آشنا بوده‌اند. این جمع کردن سرمایه و تلاش در طول تاریخ صور گوناگونی به خود گرفته است: در زمان باستان و مدتها بعد از آن، گروههایی وجود داشته‌اند که از دو یا چند نفر تشکیل شده بودند و نیروی خود را صرف فعالیتهایی بیش و کم پایدار می‌کردند. اعضای این گروهها گاه مدتی طولانی و گاه مدتی محدود همکاری می‌کردند. همکاری طولانی بیشتر در تجارت زمینی و همکاری محدود بیشتر در تجارت دریایی به کار می‌رفت. این گروهها را می‌توان اسلاف دو نوع عمده شرکت امروزی، یعنی شرکتهای سرمایه و شرکتهای اشخاص تلقی کرد.^۱ شرکتهای نوع دوم که در قدیم تنها شرکتهای موجود بودند، در حال حاضر در حال کاهش‌اند و برعکس بر شمار شرکتهای نوع اول افزوده می‌شود.

قانون تجارت ایران در ماده ۲۰، انواع شرکتهای تجاری را احصا کرده است. فقط شرکتی که به یکی از این انواع درآید، شرکت تجاری است و شرکتهای دیگر مشمول این عنوان نمی‌شوند؛ مگر آنکه به فعالیت تجاری پردازند که در این صورت، شرکت تضامنی تلقی می‌شوند (ماده ۲۲۰ ق. ت).

قبل از معرفی این شرکتها باید تذکر داد که اصولاً قانون تجارت سه نوع عمده شرکت را پیش‌بینی کرده است: شرکتهایی که در آنها مسئولیت کلیه شرکا نامحدود است، شرکتهایی که در آنها مسئولیت کلیه شرکا محدود به سرمایه‌ای است که به شرکت آورده‌اند و شرکتهایی که در آنها مسئولیت بعضی شرکا نامحدود و مسئولیت بعضی محدود است به آورده آنها به شرکت.

شرکتهای تضامنی و نسبی از شرکتهایی هستند که در آنها مسئولیت کلیه شرکا در مقابل طلبکاران شرکت نامحدود است؛ با این تفاوت که در شرکتهای تضامنی، هر یک از شرکا مسئول پرداخت کلیه بدهیهای شرکت به اشخاص ثالث است، در حالی که در شرکت نسبی هر شریک فقط به نسبت سهمی که در شرکت

1. Rodière. R. et B. Oppetit, *Droit Commercial, Groupements Commerciaux*, 10^e édition. Paris: Précis Dalloz, 1980, no. 2.

دارد مسئول پرداخت بدهی شرکت خواهد بود. وجه مشترک این دو نوع شرکت این است که طلبکاران این شرکتها می توانند طلب خود را علاوه بر دارایی شرکت، از دارایی شخصی شرکا نیز مطالبه کنند. مسئولیت نامحدود شرکا به همین مفهوم است.

شرکتهای سهامی (عام و خاص) و شرکتهای با مسئولیت محدود از شرکتهایی هستند که در آنها مسئولیت کلیه شرکا محدود به سرمایه‌ای است که به شرکت آورده‌اند. تفاوت این دو نوع شرکت عمدتاً در این است که در شرکتهای سهامی، شرکا که سهامدار نامیده می‌شوند، سهام خود در شرکت را می‌توانند به سهولت به اشخاص ثالث منتقل کنند؛ در حالی که در شرکتهای با مسئولیت محدود، شرکا که هر یک درصدی از کل سرمایه شرکت را دارند، نمی‌توانند حقوق خود در شرکت را آزادانه به اشخاص دیگر انتقال دهند.

شرکتهای دولتی از انواع شرکتهای سهامی هستند، اما مقررات لایحه قانونی ۱۳۴۷ تا آنجا در مورد آنها اعمال می‌شود که مخالف قانون خاص راجع به آنها و نیز اساسنامه آنها نباشد.^۱

شرکتهای مختلط از شرکتهایی هستند که در آنها هم شریک ضامن وجود دارد و هم شریک غیر ضامن. مسئولیت شرکای ضامن مانند مسئولیتی است که شرکای شرکتهای تضامنی دارند و مسئولیت شرکای غیر ضامن محدود به آورده آنها به شرکت است. شرکت مختلط به شرکت مختلط سهامی و غیرسهامی تقسیم می‌شود. شرکت مختلط سهامی ترکیبی از شرکت تضامنی و شرکت سهامی، و شرکت مختلط غیر سهامی ترکیبی از شرکت تضامنی و شرکت با مسئولیت محدود است.

۱. به موجب ماده ۳۰۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷: «شرکتهای دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می‌شوند». شرکتهای دولتی، بدین ترتیب رژیم حقوقی خاص خود را دنبال می‌کنند و ما آنها را در جلد سوم همین کتاب تحت عنوان شرکتهای ویژه بررسی خواهیم کرد.

علاوه بر شرکتهای ذکر شده، بند ۷ ماده ۲۰ قانون تجارت، شرکت تعاونی تولید و مصرف را نیز از اقسام شرکتهای تجاری شمرده است. با توجه به اینکه با وضع قانون بخش تعاونی (مصوب ۱۳۷۰) شرکتهای تعاونی انحصاراً تابع این قانون هستند، شرکتهای تعاونی تولید و مصرف نیز از تاریخ این قانون تابع آن خواهند بود. شرکتهای تعاونی تابع قانون جدید در صورتی تجاری اند که در اموری فعالیت داشته باشند که مطابق قانون تجارت، تجاری تلقی می‌شوند؛ در غیر این صورت تجاری نخواهند بود. آنچه به طور خلاصه در مورد شرکتهای تعاونی می‌توان گفت این است که این شرکتهای به دنبال کسب سود و تقسیم آن از طریق به‌کارگیری سرمایه نیستند، بلکه هدف از تشکیل آنها بردن سود با به‌کارگیری اعضاست که به‌موقع به آن خواهیم پرداخت.

تقسیم‌بندی مطالب کتاب

تقسیم مباحث کتاب قاعداً باید بر تقسیم‌بندی قانون‌گذار در ماده ۲۰ قانون تجارت استوار باشد. این تقسیم‌بندی ما را به تقسیم شرکتهای تجاری به شرکتهای سرمایه و شرکتهای اشخاص هدایت می‌کند؛ ولی تقسیم‌بندی ماده ۲۰ نه منطقی است، نه ممکن. منطقی نیست چرا که شرکتهای مزبور در پاره‌ای موارد، تابع قواعدی هستند که نسبت به همه آنها مشترک است. ذکر این قواعد به مناسبت بررسی هر یک از شرکتهای مورد بحث به تکرار مطالب می‌انجامد و قطعاً زیبنده نیست. به این علت، باب اول این کتاب به کلیات راجع به شرکتهای، یعنی قواعد مشترک حاکم بر آنها اختصاص داده شده است. از طرفی، تقسیم‌بندی سنتی شرکتهای سرمایه و اشخاص به صورت دقیق میسر نیست. اگر شرکتهای تضامنی، مختلط غیر سهامی و نسبی را به دلیل عدم امکان انتقال سهم‌الشرکه شرکا به اشخاص ثالث بدون رضایت سایر شرکا بتوان تحت عنوان شرکتهای اشخاص بررسی کرد، شرکت با مسئولیت محدود را نه می‌توان جزء شرکتهای سرمایه گذاشت و با شرکتهای سهامی یکجا بررسی کرد، نه جزء شرکتهای اشخاص؛ زیرا شرکت با مسئولیت محدود، از آن نظر که در آن انتقال سهم‌الشرکه توسط شریک جز با رضایت شرکای دیگر میسر نیست

به شرکتهای اشخاص نزدیک است و از آن نظر که در آن، مسئولیت شرکا محدود به آورده آنهاست، به شرکتهای سهامی شباهت دارد. به این سبب به این نوع شرکت باید فصلی جدا اختصاص داد.

علاوه بر شرکتهای مذکور باید از شرکتهای عمده دیگری نیز صحبت کنیم که آنها را نمی توان جزء هیچ یک از شرکتهای بالا قرار داد. این شرکتهای عبارت اند از: شرکت مختلط سهامی، شرکت تعاونی و شرکت دولتی. این شرکتهای را به دلیل قواعد خاصی که بر آنها حاکم است، تحت عنوان شرکتهای ویژه بررسی خواهیم کرد.

بنابراین، کتاب حاضر چهار باب خواهد داشت: باب اول: کلیات، باب دوم: شرکتهای اشخاص، باب سوم: شرکت با مسئولیت محدود، باب چهارم: شرکتهای سهامی عام و خاص.

بابهای اول، دوم و سوم، موضوع جلد اول، باب چهارم، موضوع جلد دوم و باب پنجم، موضوع جلد سوم خواهد بود.

باب اول

کلیات

فصل اول: معرفی شرکت تجاری

فصل دوم: شخصیت حقوقی شرکت تجاری

فصل سوم: انواع شرکتهای تجاری

فصل اول

معرفی شرکت تجاری

برای آنکه شرکت تجاری شناخته شود لازم است اولاً شرکت تعریف شود و ثانیاً خصایص آن بیان گردد. این دو موضوع را در دو بخش این فصل روشن خواهیم کرد.

بخش اول: تعریف شرکت

در قانون تجارت ایران تعریفی از شرکت تجاری دیده نمی‌شود. برعکس، قانون مدنی شرکت را تعریف کرده است؛ اما آیا تعریف قانون مدنی از شرکت با آنچه در مورد شرکت تجاری صادق است مطابقت دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش موکول به این است که ابتدا شرکت مدنی را بشناسیم. این موضوع را در مبحث اول بررسی می‌کنیم. مبحث دوم را نیز به تعریف شرکت تجاری اختصاص خواهیم داد.

مبحث اول: تعریف شرکت مدنی

در حقوق مدنی، شرکت به دو معنای عام و خاص به کار رفته است.^۱ در معنای عام، شرکت عبارت از عقدی است که در آن طرفین، سرمایه یا کار خود را برای رسیدن

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مشارکتها، صلح، عطایا)، چاپ اقبال، ۱۳۶۳، ص ۶ به بعد.

به سودی خاص جمع می‌کنند. در این معنا، علاوه بر عقد شرکت، که موضوع مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی است، عقد مضاربه، عقد مزارعه و عقد مساقات هم از مصادیق شرکت حساب می‌آیند.^۱ در معنای خاص، شرکت یکی از عقود معینی است که همراه با اشاعه در حق مالکیت ایجاد می‌شود. معمولاً هر گاه در حقوق مدنی از شرکت صحبت می‌شود، مقصود همین نوع اخیر است.

به موجب ماده ۵۷۱ قانون مدنی: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه». این شرکت ممکن است اختیاری یا قهری باشد (ماده ۵۷۲ ق. م). شرکت قهری بر توافق شرکا استوار نیست، بلکه در نتیجه اجتماع حقوق مالکان، به سبب امتزاج یا ارث تحقق می‌یابد (ماده ۵۷۴ ق. م). برعکس، شرکت اختیاری حاصل اراده طرفین است؛ زیرا «یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل می‌شود یا در نتیجه عمل شرکا، از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازای عمل چند نفر و نحو اینها» (ماده ۵۷۳ ق. م).

از ملاحظه ماده ۵۷۱ قانون مدنی استنباط می‌شود که شرکت، حالتی است که در آن چند نفر به طور مشاع، مالک مال واحدی هستند؛ یعنی هر یک در جزء جزء مال دارای حق مالکیت‌اند. در این تعریف به اسباب مالکیت مشاع اشاره نشده است که ممکن است یا ناشی از اراده شرکا باشد یا به صورت قهری تحقق پیدا کند.

آنچه در قانون مدنی جلب توجه می‌کند این است که امکان دارد مالکیت مشاع ناشی از هر عقدی که چنین حالتی را ایجاد می‌کند، باشد و منحصر به عقدی با نام و عنوان شرکت نیست؛ یعنی عقدی که در آن طرفین توافق کنند حقوق مالکیت اختصاصی خود را مخروج و مالکیت مشترکی ایجاد کنند. همان‌طور که در ماده ۵۷۳ قانون مدنی آمده است، شرکت اختیاری ممکن است در نتیجه عقدی از

۱. در خصوص اینکه حیات مباحات از مصادیق شرکت است، اختلاف نظر وجود دارد. نظر مشهورتر این است که در حیات هر شخصی مالک آن چیزهایی است که شخصاً حیات کرده است. البته اگر دو نفر مشترکاً درختی را قطع کنند یا با یک تور ماهیگیری ماهیهایی را صید کنند، شرکت به وجود می‌آید (ر.ک.: کاشانی، محمود، «شرکت مدنی»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، ۱۳۶۵، ص ۹ به بعد).

عقود ایجاد شود؛ مانند اینکه مالکی نیمی از مال خود را به دیگری بفروشد یا صلح یا هبه کند. در این گونه مثالها، سبب مالکیت مشترک (شرکت) در حقیقت عقدی است که عنوان بیع یا صلح یا هبه دارد، نه عقدی به نام شرکت.

در فقه و حقوق مدنی ایران، درباره وجود عقدی مستقل به نام «شرکت» تردیدهایی وجود داشته است.^۱ معدودی از مؤلفان منکر وجود این عقد هستند. به عقیده اینان، شرکت نتیجه امتزاج و اشاعه در مالکیت است و این نتیجه ممکن است یا بر اثر یکی از عقود معین (که شرکت را شامل نمی‌شوند) حاصل شود یا به طور قهری. برعکس، جمعی دیگر برای عقد شرکت اصالت قائل شده‌اند. این گروه عقد شرکت را در ایجاد اشاعه مؤثر دانسته و آن را در کنار بیع، صلح و معاوضه، در زمره عقود معین شمرده‌اند.^۲ ظاهراً قانون مدنی نیز همین نظر را اتخاذ کرده است؛ چه شرکت را در ذیل مبحث مربوط به عقود معین آورده است.

اما در حال حاضر، عقیده غالب این است که اجتماع مالکیت اشخاص متعدد در شیء واحد می‌تواند به موجب عقدی صورت گیرد که عقد شرکت نام دارد. این عقد را چنین تعریف کرده‌اند: «عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص، به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و گاه به مقصود دیگر، حقوق خود را در میان می‌گذارند تا به جای آن مالک سهمی مشاع از این مجموعه شوند».^۳ در این تعریف، عقد شرکت از اشاعه ساده جدا می‌شود و شرکا در ایجاد آن هدفی خاص را دنبال می‌کنند که می‌تواند یا به صورت بردن و تقسیم سود مادی باشد یا جنبه اخلاقی و اجتماعی داشته باشد؛ مانند کمک به درماندگان و تشویق دانشمندان و محققان.

۱. حقوق مدنی (مشارکتها، صلح، عطایا)، ص ۱۲ به بعد.

۲. در میان این گروه نیز اتفاق نظر وجود ندارد. عده‌ای صرف وقوع عقد شرکت را کافی برای تحقق اجتماع حقوق مالکان در مال واحد می‌دانند. برعکس، عده‌ای، علاوه بر وقوع عقد شرکت، مزج دو مال قبل یا بعد از عقد را نیز ضروری دانسته‌اند (ر.ک.: «شرکت مدنی»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲، ص ۲۱).

۳. حقوق مدنی (مشارکتها، صلح، عطایا)، ص ۱۷.

باید پرسید آیا این تعریف را می‌توان به شرکت به مفهوم قانون تجارت تسری داد یا خیر. پاسخ، البته منفی است؛ اما نفی تعریف مزبور جنبه مطلق ندارد؛ چه همان‌طور که خواهیم دید، بعضی از عناصر تعریف مزبور در تعریف شرکت تجاری نیز به چشم می‌خورد. آنچه باید گفت این است که:

✓ اولاً در شرکت به مفهوم تجاری، هدف شرکا چیزی جز بردن سود و تقسیم آن میان خود نیست. بنابراین، تشکیلاتی که برای هدفهای اخلاقی و اجتماعی و امثال اینها تأسیس و به اصطلاح «انجمن» نامیده می‌شوند، شرکت تجاری به حساب نمی‌آیند؛

✓ ثانیاً در شرکت مدنی، ارتباط شخصیتی شرکا با مال مشاع محو نمی‌شود؛ در حالی که در شرکت تجاری شخصیت جمعی شرکا که از آن به «شخصیت حقوقی» تعبیر می‌شود مالک مال می‌گردد. در واقع، در شرکت مدنی فرض بر این است که اموال شرکا به خودشان تعلق دارد و سود و زیان ناشی از اداره شرکت به خود ایشان برمی‌گردد؛ حال آنکه، همان‌طور که خواهیم دید، شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی است و مال مشاع که توسط شرکا در میان گذاشته می‌شود، متعلق به شرکت، یعنی شخص حقوقی است.

اما چگونه می‌توان شرکت تجاری را از شرکت مدنی باز شناخت؟ این سؤالی است که با تعریف شرکت تجاری (در مبحث دوم) سعی در پاسخگویی به آن داریم.

مبحث دوم: تعریف شرکت تجاری

همان‌طور که گفتیم قانون تجارت ایران، تعریفی از شرکت تجاری ارائه نکرده و در واقع، در ماده ۲۰ که فصل اول از باب سوم قانون تجارت با آن آغاز می‌شود، فقط به شمارش اقسام مختلف شرکت تجاری پرداخته است.

علت سکوت قانون‌گذار ایران این است که در قانون تجارت فرانسه که الگوی قانون تجارت ما بوده است نیز شرکت تجاری تعریف نشده است؛ اما سکوت قانون تجارت فرانسه توجیه‌شدنی است؛ زیرا قانون مدنی این کشور در ماده ۱۸۳۲

شرکت را تعریف کرده است و قانون‌گذار فرانسه ضرورتی به تکرار آن در قانون تجارت ندیده است؛ در حالی که تقلید صرف قانون‌گذار ایران از قانون تجارت فرانسه خلئی قانونی ایجاد کرده است؛ چرا که آنچه در قانون مدنی ما در تعریف شرکت آمده با حقیقت شرکت در حقوق تجارت متفاوت است. در واقع، در حالی که شرکت در حقوق تجارت ما ریشه در حقوق اروپایی دارد، شرکت در حقوق مدنی، در درجه اول متکی بر موازین فقهی است.^۱

در تعریف شرکت تجاری، استادان متقدم حقوق تجارت پاسخهای متفاوتی داده‌اند. به عقیده دکتر ستوده تهرانی: «شرکت تجاری عبارت است از سازمانی که بین دو یا چند نفر تشکیل می‌شود که در آن هر یک سهمی به صورت نقد یا جنس یا کار خود در بین می‌گذارند تا مبادرت به عملیات تجاری نموده و منافع و زیانهای حاصله را بین خود تقسیم کنند».^۲ این تعریف دو نقص عمده دارد که هر دو از مجموع مقررات قانون تجارت و لایحه قانونی ۱۳۴۷ در مورد شرکتهای سهامی استنباط می‌شود. اولین نقص این است که در آن به شرکت نه به عنوان یک قرارداد بلکه به عنوان یک مؤسسه و سازمان (یک شخص حقوقی) نگریسته می‌شود؛ در حالی که شرکت، پیش از هر چیز، یک قرارداد است. نقص دیگر این است که شرکت را تنها مؤسسه یا سازمانی تلقی می‌کند که مبادرت به عملیات تجاری می‌کند،^۳ در صورتی که می‌دانیم گاه شرکت، به صرف اینکه در قالب شرکتهایی ایجاد شده که در ماده ۲۰ قانون تجارت ذکر شده‌اند، شرکت تجاری تلقی می‌شود، حتی اگر عمل غیر تجاری انجام دهد. در واقع، ماده ۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ در مورد

۱. شرکت در معنی ماده ۵۷۱ قانون مدنی یک تعریف فقهی است: «اجتماع حقوق الملاك فی شیء الواحد علی سبیل الشیاع» (ر.ک.: حقوق مدنی (مشارکتهای، صلح، عطایا)، ص ۱۰، زیرنویس ۳).

۲. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، ص ۱۷۲.

۳. استاد ستوده تهرانی، در جای دیگری از کتاب خود (ص ۲۰۰) عکس این نظر را بیان کرده است: «اگر شرکتهای مطابق مقررات قانون تجارت به ثبت رسید و شخصیت حقوقی پیدا نمود، شرکت مزبور، صرف نظر از موضوع آن، شرکت تجاری است».

شرکت سهامی مقرر کرده است: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد». البته چون تعریف دکتر ستوده تهرانی پیش از تصویب لایحه اخیر ارائه شده است، اشکال دوم فقط به خود تعریف وارد است و نباید بر عدم آگاهی ایشان حمل شود.

دکتر منصور صفری نیز در مقاله‌ای محققانه، پس از بررسی مواد مختلف قانون تجارت، شرکت تجاری را چنین تعریف کرده است: «شرکت عهدی است که به وسیله آن دو یا چند شخص توافق می‌کنند آورده‌هایی را به منظور تقسیم منافع احتمالی، مشترکاً مورد تجارت قرار دهند».^۱ این تعریف سه ایراد دارد:

اول اینکه برعکس تعریف دکتر ستوده تهرانی، در این تعریف، شرکت، مؤسسه محسوب نشده است، بلکه از آن فقط به عنوان یک عهد (قرارداد) یاد می‌شود. همان‌طور که گفتیم، شرکت یک قرارداد است. اما شرکت معنای دیگری نیز دارد. در واقع، آورده‌های شرکا به این منظور جمع می‌شود که دارای مستقلی از دارایی هر یک از شرکا تشکیل شود و این دارایی به امری اختصاص دارد که شرکت برای به انجام رساندن آن ایجاد شده است. به همین دلیل در اینجا از شخص حقوقی صحبت می‌شود که همان شرکت است. مطالعه قوانین و مقررات تجاری نشان می‌دهد که در این مقررات، شرکت بیشتر یک شخص حقوقی تلقی شده است تا یک قرارداد.

دوم اینکه در این تعریف فقط به «تقسیم منافع احتمالی» اشاره شده است، حال آنکه مسلم است شرکا در زبانهای احتمالی نیز سهیم‌اند.^۲

سوم اینکه شرط تجاری بودن شرکت را تجاری بودن عمل شرکت می‌داند؛ در حالی که شرکت تجاری ممکن است، به صرف شکل آن، تجاری تلقی شود،

۱. صفری، منصور، «تعریف شرکت تجاری»، تحولات حقوق خصوصی، زیر نظر ناصر کاتوزیان، ج ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۸۵ به بعد.

۲. البته، نویسنده بعداً در توضیح تعریف مزبور به شرکت شرکا در تحمل زیان نیز اشاره کرده است.

حتی اگر به عمل غیر تجارتي پردازد.^۱

واقعیت این است که در حقوق ایران شرکت تجارتي شرکتي است که یا به موجب مقررات قانون تجارت و یا به موجب لایحه قانونی ۱۳۴۷ تشکیل می شود و یا به صورتی غیر از آن، ولی مبادرت به عملیات تجارتي می کند. در صورتی که شرکت به صورت یکی از شرکتهای موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت باشد گناه به صرف صورت، شرکت تجارتي محسوب می شود، حتی اگر معاملات غیر تجارتي انجام دهد (مانند آنچه در ماده ۲ لایحه قانونی ۱۳۴۷ در مورد شرکتهای سهامی عام و خاص آمده است) و گاه امکان تشکیل شرکت تجارتي وجود ندارد، مگر آنکه موضوع آن تجارتي باشد (مانند آنچه در مورد شرکت تضامنی و نسبی صادق است). ماده ۲۲۰ قانون تجارت نیز شرکتهایی را که به صورت یکی از شرکتهای مندرج در قانون تجارت درنیامده باشند، در صورتی که به امور تجارتي پردازند، شرکت تضامنی تلقی کرده که از انواع شرکتهای تجارتي است.^۲

با توجه به آنچه گفتیم، شرکت تجارتي را می توان چنین تعریف کرد: «شرکت تجارتي، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند نفر توافق می کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده های آنها تشکیل می شود، ایجاد کنند و به مؤسسه ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل می گردد، اختصاص دهند و در منافع و زیانهای احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهام شوند»^۳

مفهوم این تعریف را با بیان خصایص شرکت تجارتي که موضوع بخش دوم این فصل است، روشن می کنیم.

بخش دوم: خصایص شرکت تجاری

اگرچه قانون تجارت به شکل شرکت تجاری اهمیت فراوان داده و تشکیل آن را در صورتی محقق دانسته که در قالبی خاص ریخته شده باشد، نباید فراموش کرد که

۱. البته باید اذعان کرد که این نقص در زمان تحریر مقاله وجود نداشته است؛ چه در آن زمان، موضوع شرکت تجارتي فقط می بایست امور تجارتي باشد.

شرکت یک عمل حقوقی است و به این سبب لازم است ماهیت آن شناخته شود؛ به ویژه آنکه در پاره‌ای موارد چند شخص، بدون آنکه شرکتی تشکیل دهند، در عمل به گونه‌ای رفتار می‌کنند که نشان می‌دهد معاملاتی که انجام می‌دهند برای همه آنها و نفع و زیان معاملات متوجه یک‌یک آنهاست، بدون آنکه گاه حتی در این مورد توافق کرده باشند.^۱ در چنین شرایطی باید دید آن عمل حقوقی که به شرکت حیات داده است چیست. به این منظور باید ابتدا به تحلیل عناصر عمل حقوقی ایجادکننده شرکت پرداخت و سپس هدف از ایجاد شرکت میان شرکا را که بردن سود است، بررسی کرد.

مبحث اول: عناصر تشکیل دهنده شرکت

شرکت، به عنوان یک عمل حقوقی، مستلزم همکاری دو یا چند شخص است. این همکاری صرفاً زائیده قراردادی نیست که طرفین آن را منعقد کرده‌اند، بلکه تابع مکانیسمی است که قانون‌گذار در اختیار شرکا قرار داده تا سرمایه‌های فردی خود را برای رسیدن به هدفی خاص که بردن سود است به سرمایه جمعی تبدیل کنند. در این مبحث، ابتدا به بیان ضرورت همکاری دو یا چند نفر برای تشکیل شرکت می‌پردازیم و سپس ماهیت حقوقی این قرارداد همکاری را بررسی می‌کنیم.

الف) همکاری دو یا چند نفر

شرکت باید لاقلاً دارای دو عضو باشد و هر یک، چیزی به شرکت بیاورد که روی هم، سرمایه شرکت را تشکیل می‌دهد.

بند اول: تعدد شرکا. شرکت، چه در حقوق مدنی و چه در حقوق تجارت ایران، در صورتی ایجاد می‌شود که لاقلاً دو نفر در ایجاد آن سهیم باشند. برخلاف

۱. این گونه شرکتهارا در فرانسه به شرکتهای عملاً موجود (sociétés créées de fait) تعبیر می‌کنند

که دارای شخصیت حقوقی نیستند (ر. ک. Ripert, G. et R. Roblot, *Droit Commercial*,

(t. 1, 14^e édition, Paris: L. G. D. J., 1991, no. 725)

موسسه حقوق تجارت ایران، تهران، ۱۳۸۴

آنچه در حقوق بعضی کشورها، نظیر فرانسه^۱ وجود دارد، در حقوق ایران، شرکت تک‌شریک وجود ندارد.

در حقوق مدنی، شرکت جز با همکاری لااقل دو نفر به وجود نمی‌آید؛ اما در حقوق تجارت، وضع قدری متفاوت است: شرکت سهامی لااقل با همکاری سه نفر تشکیل می‌شود (ماده ۳ لایحه قانونی ۱۳۴۷)، آن هم در صورتی که از نوع سهامی خاص باشد، والا در مورد شرکتهای سهامی عام، شرکت تشکیل نمی‌شود مگر با همکاری لااقل پنج نفر سهامدار.^۲ در هیچ یک از انواع شرکتهای، حداکثر شرکا به تعداد به خصوصی محدود نیست و حتی تعداد شرکای بعضی از شرکتهای سهامی ممکن است به هزاران نفر برسد.

بند دوم: آوردن حصه. هر یک از شرکا حصه‌ای به شرکت می‌آورند که به «آورده» تعبیر می‌شود و همان سرمایه فردی هر یک از شرکاست که جمع آن با آورده‌های دیگر شرکا، سرمایه شرکت را تشکیل خواهد داد.^۳

در نظام قانون مدنی، به پیروی از فقه امامیه، آورده شریک نمی‌تواند چیزی جز حق مالکیت باشد و دو نفر نمی‌توانند با جمع خدمت و اعتبار خود تشکیل شرکت دهند، مگر آنکه آوردن این خدمت یا اعتبار منجر به مالکیت مشاع آورنده بر مالی شود؛^۴ در حالی که در شرکت، به مفهوم قانون تجارت، چنین نیست و آورده می‌تواند صوری گوناگون داشته باشد. ماده ۲۶ سابق قانون تجارت، این نکته را به صراحت بیان کرده بود. به موجب این ماده: «سهام غیر نقدی سهامی است که در

1. *Ibid.*, no. 6.

۲. لایحه قانونی در این خصوص ماده صریحی ندارد، لیکن در ماده ۱۰۷ مقرر می‌کند که عده اعضای هیئت مدیره در شرکتهای سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد. از آنجا که هیئت مدیره باید به موجب همان ماده از بین صاحبان سهام، یعنی شرکا، انتخاب شوند، تا تعداد شرکا به پنج نفر نرسد، تشکیل شرکت سهامی میسر نیست.

۳. مثل اینکه صنعتگری با مالک خانه‌ای قرارداد شرکت منعقد می‌کند؛ به این نحو که در ازای بیست سال خدمت از جانب وی، او مالک نیمی مشاع از خانه شود و سود و زیان کارگاهی که برپا می‌شود به نسبت این مالکیت تقسیم گردد (ر.ک. حقوق مدنی (مشارکتهای صلح، عطایا)، ص ۱۷).

ازای آن به جای وجه نقد چیزی از قبیل کارخانه و اعتبارنامه و غیره داده می‌شود» البته منظور از سهم غیر نقدی، آورده غیر نقدی است و به هر حال، ذکر عبارت «از قبیل» نشان می‌دهد که ماده ۲۶ سابق جنبه حصری نداشته است. در تبصره ماده ۶ لایحه قانونی ۱۳۴۷ راجع به شرکتهای سهامی، تأمین قسمتی از سرمایه شرکت با آورده‌های غیر نقدی اجازه داده شده است. انواع آورده‌ها، نقش آورده‌ها در تشکیل سرمایه و تفاوت شرکت با مالکیت مشاع را در سه قسمت بررسی می‌کنیم.

۱. انواع آورده‌ها. آورده‌های شرکا را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

آورده‌های نقدی و آورده‌های غیر نقدی.

اول: آورده‌های نقدی. شریکی که تعهد به آوردن وجه نقد به شرکت کرده

است باید در موعد مقرر به تعهد خود عمل کند والا مانند این است که دین خود را پرداخته و بنابراین، به پرداخت اصل و فروع دین خود با توجه به قواعد عام محکوم خواهد شد. مطالبه طلب از طرف شرکت و شرایط مدیونیت شریک متعهد تابع قواعد عام راجع به مطالبات پولی است. این قاعده را ماده ۳۲ سابق قانون تجارت به صراحت بیان کرده بود.^۱ گرچه این ماده لغو شده است و در لایحه قانونی ۱۳۴۷ جانشین ندارد، قاعده مندرج در آن هنوز هم بنا بر اصول کلی حقوق قابل اعمال است.

تعهد به پرداخت آورده نقدی در شرکتهای مختلف صور متفاوت دارد. در

شرکتهای سهامی و مختلط سهامی، پرداخت کل آورده تعهد شده، حین تشکیل شرکت لازم نیست؛ اما در سایر شرکتهای، شرکت تشکیل نمی‌شود، مگر آنکه کل سرمایه نقدی شرکت پرداخت شده باشد. در هر حال، هیچ شرکت تجاری تشکیل

۱. ماده ۳۲ سابق مقرر کرده بود: «هرکس تعهد اتباع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه به خسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد». این ماده، البته، جنبه آمره نداشت و ماده ۳۳ قانون مقرر کرده بود که اساسنامه می‌تواند در مورد اشخاص موضوع ماده ۳۲ ترتیب دیگری مقرر کند، مثل اینکه مقرر کند در صورت عدم تأدیه بقیه قیمت سهام مقدار تأدیه شده از آن بابت بلاعوض به شرکت تعلق یافته، تعهدکننده نسبت به سهام تعهد شده هیچ حقی نداشته باشد.